

نامه سرگشاده به رئیس جمهور

آقای رئیس جمهور کدام آزادی؟!

جناب آقای سید علی خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در بحث بسیار مهم و حیاتی که در خطبه اول نماز جمعه در تاریخ ۱۴ آذر ماه ۶۵ آغاز کردید با تکیه بر بعضی آیات قرآن، اسلام را دینی که در جوهره آن آزادی و آزادگی وجود دارد و هدفش برداشتن اصر و اغلال از گردن و دست و پای بندگان خداست معرفی کردید که حَقاً چنین است. اگر چه خطبه مذکور باید مقدمه‌ای بر بسط و تفصیل این موضوع در خطبه‌های بعدی شما تلقی شود، لیکن در همان حدی که مطالب بیان شده و حتی طرح این مسئله به نفسه از سوی ریاست جمهوری و بیان برخی جنبه‌های آن موجب امیدواری برای همه کسانی است که با تلاش در راه رسیدن آزادی، سالها طعم تلخ استبداد را کشیده و فشارهای آن را با گوشت و پوست خود حس کرده‌اند.

صدای آزادی از تریبون نماز جمعه، و از زبان ریاست جمهوری در پیشگاه خداوند و در حضور مردم پس از ۷ سالی که از استقرار "جمهوری اسلامی" می‌گذرد، نویدی است که می‌تواند وزش نسیم آزادی را بشارت دهد: این عناوین که: "انسان آزاد آفریده شده" و "آزادی از مفاهیم قطعی و حتمی اسلام می‌باشد" و اگر کسی تصور کند یا به ذهنش بیاید که اسلام دینی است که آزادیهای اجتماعی و فردی را سلب می‌کند و در فرهنگ اسلامی آزادی نیست نه، این یک حرف بی‌خودی است. البته آزادی غیر از بی‌بند و باری است... "مسئلاً نقش آزادی و خود مفهوم متعالی و راقی که حداکثر ۲۰۰ سال است که در مطبوعات، کتاب و اندیشه‌های غربی راه پیدا کرده، این در قرآن کریم هست و یقیناً در مکتب بسیاری از انبیاء الهی است..." "آن آزادی خیلی کوچکتر و محدودتر و کم ارزش‌تر از آن است که انبیاء و مکاتب الهی درباره آن بحث کرده‌اند" و بسیاری تصدیقات دیگر شما در این خطبه همان است که در صورتی که به طور جدی و بدون شائیه و توجیه از مرحله حرف گذشته و به بوته آزمایش درآید، دست کم خواهد توانست همان "معنا و مفهومی را که امروز در مکاتب سیاسی مطرح می‌شود" (یعنی آزادیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آزادی فکر و اندیشه و عقیده) به ارمغان آورد و نهال پژمرده آزادی را بار دیگر آبیاری کند.

یک چنین برخوردی با مسئله آزادی نه فقط اسلامی است و با اصول مصرح در فصول سوم و پنجم قانون اساسی و حقوق طبیعی مردم تطبیق می‌کند بلکه منعکس کننده و آرزو و آمالی است که در شعار اصلی و همیشگی انقلاب یعنی آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی که خونهای هزاران انسانی است که طی صد سال اخیر در پای استبداد قربانی شده‌اند، تبلور یافته است.

جناب آقای خامنه‌ای، حتی اگر این موضوع را در خطبه بدین صورت مطرح نکرده بودید شخص شما به

عنوان رئیس قوه مجریه و هماهنگ‌کننده قوای سه‌گانه و نگهبان قانون اساسی و حافظ حقوق مردم که برای مراقبت از آن به قرآن کریم سوگند یاد کرده‌اید و نیز به عنوان امام جمعه تهران در موضعی قرار دارید که حَقاً می‌باید در اندیشه تحقق این اصل اساسی و پاسخگوی آن نزد خدا و خلق باشید. به هر حال ما امیدواریم بحث شما در جهت توجیه وضع موجود پیش نرود و راه حل خدا پسندانه‌ای را در جهت تحقق این هدف انقلاب عملاً ارائه و اعمال نمائید.

آقای رئیس جمهور!

شما و سایر دست‌اندرکاران و مسئولان بالاخص آقای نخست‌وزیر بارها در سخنان خود، نهضت آزادی ایران را به عنوان حزب سیاسی مخالف حاکمیت که از آزادی برخوردار است نام برده‌اید و وجود آن را با جزئی امکانات محدود (که به جزوه‌ها و نشریاتی که چاپخانه‌ها مجاز به طبع آن نیستند و پیامهائی که گهگاه پخش می‌کند) دلیل بر آزادی احزاب و گروههای سیاسی دانسته‌اید، بدون آنکه بر محدودیتها، محرومیتها و مشکلاتی که نهضت با آن روبرو است اشاره‌ای بکنید! تبعیض، حق‌کشی و قانون‌شکنی و بی‌عدالتی نیروهای دافعه‌ای بوده است که در چند سال بعد از انقلاب بسیاری از روشنفکران و جوانان مسلمان منجمله نهضتی‌ها را از حقوق حقه‌شان محروم و از صحنه اجتماع و سیاست کنار زده است، به طوری که حتی قدیمیترین جمعیتها و احزاب اسلامی و ملی که در شرایط سخت گذشته طی نیم قرن تشکل خود را حفظ کرده‌اند و به کرات امتحان خود را داده‌اند، در جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند ادامه حیات داده، افکار و نظرات خود را در سطح وسیع منعکس نمایند. حتی در محیط‌های بسته و در سطح دانشگاهها، فضای مناسبی برای ارائه عقاید و حرف حق آنان وجود ندارد، و شیوه‌های معمول و برخوردهای غیر اصولی و غلط، هرگونه اظهارنظر آزادانه را از گروهها و افراد سلب کرده است!

نهضت آزادی ایران به عنوان یک حزب متشکل و مدافع آزادی و اصول مصرحه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعضاء و هواداران آن به عنوان شهروندان روشنفکر مسلمان، طی سالهای حاکمیت جنابعالی در جمهوری اسلامی فشارها و محدودیتهایی را تحمل کرده‌اند که در هر مورد گزارش آنها ارسال گردیده است. برای اطلاع جناب عالی قسمتی از تبعیضات و بی‌عدالتی‌ها را ذکر می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که دست اندرکاران و مسئولان جمهوری اسلامی به خود آیند و از توهمی که در زمینه وجود عدالت و آزادی اسلامی در جامعه دارند، بیرون آمده و میثاق خود را در رابطه با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پیشگاه خداوند مرعی دارند، تا بلکه از این ابتلاء بزرگ سرافراز بیرون آیند. ما برای اینکه کلی‌گویی نکرده باشیم و نمونه زنده‌ای از اظهارات خود را به عنوان مثال یادآور شده باشیم، در زیر چند فقره از محرومیتها و محدودیتهایی را که بر ما تحمیل شده است و طی سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی از آن رنج کشیده‌ایم، ذکر می‌کنیم. باشد که مسئولان و دست‌اندرکاران از بار سنگین اصر و اغلالی که بر دست و پای مردم سنگینی می‌کند اطلاع بیشتری پیدا کنند و اگر مایلند و می‌توانند بگشایند:

۱- محرومیت از داشتن روزنامه - نهضت آزادی ایران با پشتوانه چهل سال سابقه مبارزه و قدمت و تلاش در اشاعه فکر اصیل اسلامی که در عین حال در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشته است امروزه در اوج حاکمیت روحانیت از حقوق طبیعی فعالیت یک حزب محروم مانده است. دلیل این مدعا، روزنامه "میزان" تنها روزنامه‌ای که بدون سانسور مطالب ما را منتشر می‌کرد بدون هیچ دلیل روشنی

بیش از پنج سال است که در محاق توقیف باقی مانده و هیچ یک از مسئولین تا کنون پاسخ قانع‌کننده‌ای به علت این توقیف نداده‌اند و هیچ دادگاه صالحی به شکایات و اعتراضات ما رسیدگی نکرده و پرونده آن بلا تکلیف باقی مانده است!

۲- محرومیت از استفاده از رسانه‌ها - در رادیو، تلویزیون، مطبوعات، تریبون نماز جمعه، خبرگزاری و غیره هیچ گونه گزارش و امکانی برای انعکاس نظرات و آراء احزاب و جمعیت‌های ملی و قانونی وجود ندارد و آنچه در ابتدای انقلاب در رسانه‌ها در اختیار همگان بوده، امروزه در انحصار جناحها و گروه‌هایی است که که به عنوان مدیر و گوینده و تولید کننده بصورت یک طرفه، مستقیم و غیرمستقیم در آن به کوبیدن و اهانت و محکومیت یک‌جانبه کسانی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی مؤمن هستند می‌پردازند و آنها را از هر گونه دفاع مشروع و حتی توضیح محروم می‌سازند.

۳- محرومیت از امنیت - اجتماعات نهضت که به مناسبت اعیاد و مراسم مذهبی برپا می‌شود، به شدت مورد حمله و تعرض افراد غیر مسئول قرار می‌گیرد و مسئولین به توجیه و تفسیر آن می‌پردازند و هیچ کس خود را ملزم به پاسخگوئی و احقاق حق و جبران چنین شیوه‌هایی نمی‌داند. از سوی برخی مسئولین صاحبان قدرت هم چیزی جز توجیه و احیاناً تشویق و ترغیب چنین روش‌هایی دیده نشده است، نه قانون و نه شما که ناظر بر اجرای قانون اساسی هستید تا کنون به این مشکل مهم نپرداخته‌اید حمله به منازل اعضاء با پرتاب کوکتل مولوتف و دفتر نهضت به کرات برخلاف قانون اساسی صورت گرفته و شکایتها به جایی نرسیده است.

۴- محرومیت از حق دفاع - به پاسخ‌های ما به حملات و تعرضات و اهانتها و اعمال ناروایی که از سوی اشخاص و جناحها و وسائل ارتباط جمعی صورت می‌گیرد، به هیچ‌وجه ترتیب اثر داده نمی‌شود و وسائل ارتباط جمعی خاصه روزنامه‌های کثیرالانتشار که طبق قانون باید پاسخ‌های مستدل ما را در صفحات خود عادلانه (در همان صفحه و به همان میزان) منعکس و منتشر کنند گستاخانه از اعمال این وظیفه قانونی و روشن خودداری می‌کنند و اگر احیاناً منعکس کنند بطور ناقص و به همراه تحریفات و توهینات تازه‌ای منتشر می‌شود. ۵- محرومیت از حمایت قانونی - به شکایتهای مکرر و اعلام جرم‌های روشن و صریحی که در چارچوب قوانین متداول و جاری کشور نسبت به اهانت‌کنندگان و متعرضین به عمل آمده ترتیب اثر داده نمی‌شود. در کمتر موردی احقاق حق شده است و همه این اقدامات را به صورتی بی‌اثر و بی‌نتیجه گذاشته‌اند. معلوم است که اگر یکبار به طور جدی این قانون‌شکنی‌ها پیگیری می‌شد و مسببین آن را دستگیر و محاکمه می‌کردند هم قانون رعایت شده بود و هم این اعمال تکرار نمی‌شد.

۶- سانسور نام و انتشارات نهضت - روزنامه‌ها و سایر وسائل ارتباط جمعی از انتشار اطلاعیه‌ها و آگهی‌های کلاسهای اعتقادی (که هزینه آن پرداخت می‌شود) جداً خودداری کرده و انعکاس نام نهضت را (جز در مواردی که به زشتی یاد کنند) سانسور می‌کنند و تعدادی از اسناد و کتب نهضت منجمله کتاب "رفتار علی با مخالفان سیاسی خود" که پس از چاپ آماده انتشار بوده از سوی وزارت ارشاد از پخش آن جلوگیری شده است.

۷- محرومیت از گزینش و استخدام - در چند سال اخیر به دنبال اجحافات و فشارهای مختلف، محدودیتهای متعددی به شکل نظام یافته بر اعضاء و هواداران و حتی کسانی که سابقه دوستی و آشنائی

با سران نهضت دارند با عنوان برچسب "لیبرال" که از همان آغاز انقلاب توسط حزب توده و مارکسیست‌ها برای کوبیدن روشنفکران مطرح شده است وارد آورده و در وزارتخانه‌ها و ادارات و نهادها و مؤسسات آموزشی و غیر آن اجازة و امکان خدمت و تحرک نداده، سعی در برکنار کردن آنان از پست‌ها و فعالیت‌های مشروع و قانونی در چارچوب حقوق اداری و انسانی آنان می‌نمایند. بطوریکه هرگونه سوءظن به فردی به عنوان "نهضتی" کافی است که او را از حقوق حقه‌اش محروم سازد و وسیله‌ای برای تضييع حقوق قانونی فرد و حتی اعضاء خانواده او فراهم آورد.

در این مورد می‌توان پاره‌ای محدودیت‌ها و مشکلاتی را که در زمینه‌های زیر گاه و بی‌گاه فراهم می‌شود

ذکر کرد:

۱- محدودیت‌های غیرمستقیم در گزینش دانشگاه و محرومیت از تحصیل و اعزام و غیره.

۲- محرومیت از استخدام و داشتن پست مناسب در ادارات و نهادها و مؤسسات.

۳- تضييق و محدودیت در گزینش افراد نهضت به عنوان کادر علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش

عالی و حتی عضویت در کمیسیون‌های وزارتخانه‌ها.

کلیه موارد مذکور و مشابه آن گرچه اعلام نشده ولی به صورتی ابراز و عمل شده است. در موارد مذکور حتی دیده می‌شود که برای اینکه یک فرد متهم به "نهضتی" بودن در مسئولیت و پستی که حق قانونی و طبیعی اوست قرار نگیرد و از خدمتی که شایستگی انجام آن را دارد محروم بماند از افراد "بی‌سابقه" کم تجربه‌تر و حتی کسانی که "وابستگی‌هایی" نیز به رژیم گذشته داشته‌اند استفاده می‌شود. معلوم است که با چنین شیوه‌هایی نه تنها از ارائه خدمات مناسب به مردم و جمهوری اسلامی جلوگیری می‌شود بلکه این شیوه‌های غیرآزادمنشانه به منزله تهدید مستقیم برای افرادی است که اظهار علاقه و یا وابستگی آشکار با نهضت و سران آن، آنها را از حق قانونی و طبیعی خود محروم می‌سازد.

نکته درآوردتر دیگر پرسش‌هایی است که به هنگام استخدام یا گزینش از سوی گزینش‌گران در رابطه با عقیده آنان نسبت به نهضت آزادی به عمل می‌آید، و در صورت احساس کمترین هواخواهی یا اظهار نظر مثبت نسبت به نهضت، پذیرش آنان غیرممکن می‌گردد.

با توجه به مراتب بالا و تذکرات بی‌شماری که در چند سال اخیر پیرامون سلب آزادی و امنیت اعضاء و علاقمندان نهضت و قانون‌شکنی‌های برخی از مسئولان به اطلاع رسیده است اینک ضمن ابراز اعتراض مجدد خود از جناب عالی به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و هماهنگ کننده سه قوه و به عنوان اثر و نتیجه عملی بحث آزادی که در خطبه‌های نماز جمعه مطرح کرده‌اید، می‌خواهیم هر چه زودتر به رفع محدودیت‌ها و حذف محرومیت‌ها و جلوگیری قاطع و صریح از اقدامات غیر قانونی مذکور، اقدام فرمائید. در صورتی که در هر مورد نیاز به توضیحات بیشتر با ارائه مدارک باشد، برای انجام این وظیفه آماده‌ایم.

نهضت آزادی ایران

(آذرماه ۶۵)